



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۰، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۸۳-۱۶۵

کیفیت زندگی؛ گستره ای به مفهوم پیچیدگی

سیده آیدا حسینی

استاد گروه شهرسازی، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران

S.Aida.Hosseini1993@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

چکیده

شهرها مکان‌هایی هستند که امروزه اکثریت جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند. رشد جمعیت، افزایش تقاضا و نیاز شهروندان در عرصه‌های کالبدی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... موجب شده تا شهرهای امروزی روزبه‌روز بیشتر به سمت زوال حرکت کنند. از این رو این مکان انسان‌ساخت باید بتواند پاسخگوی خواسته‌های شهروندان باشد تا کیفیت زندگی آنان را بهبود ببخشد و در پی آن خود نیز به توسعه‌ای پایدار دست پیدا کند. کیفیت زندگی امری است که تمامی ابعاد زیستی انسان‌ها را در برمی‌گیرد. در این راستا هدف پژوهش حاضر ارائه‌ی مفاهیمی از ابعاد و شاخص‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی در جهت دستیابی به شناختی کامل‌تر از این مقوله‌ی گسترده می‌باشد. تحقیق پیش رو به لحاظ هدف از نوع کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای مشتمل بر مقاله‌ها، کتب و اسناد صورت پذیرفت. نتایج حاکی از آن است که کیفیت زندگی با دو محیط عینی و ذهنی انسان‌ها به‌طور مستقیم در ارتباط بوده و بر رضایت و اهمیت این محیط‌ها برای شهروندان اثرگذار است. در این جهت شش شاخص؛ زیست‌پذیری، توسعه پایدار، سرمایه، رضایتمندی سکونتی، تاب‌آوری و مشارکت مردمی، ریشه‌های اصلی کیفیت زندگی شناخته شدند، که بر آن‌هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر می‌باشند. بنابراین جهت دستیابی به کیفیتی مطلوب در شهر و بالطبع زندگی شهروندان، باید تمامی عوامل فوق در یک سایه و به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار گیرند.

کلمات کلیدی: زیست‌پذیری، توسعه پایدار، رضایتمندی سکونتی، تاب‌آوری، مشارکت مردمی

مقدمه

همگام با افزایش جمعیت شهرنشینی، تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری رشد کرده، شهرهای بزرگ به کلان‌شهرهای کنونی تبدیل شده و مشکلات جبران‌ناپذیری برای بشر پدید آمده است (ربانی و کیانی پور، ۱۳۸۶: ۵۶). بنابراین امروزه اهمیت محیط‌های مسکونی شهری به‌عنوان سکونتگاه‌های اصلی مردم، روزبه‌روز در حال افزایش می‌باشد، به‌طوری‌که در این محیط‌ها در وهله‌ی اول ابزار مهمی برای توسعه‌ی انواع شاخص‌های زندگی نظیر؛ سلامت، خانواده، کار یا فراغت فراهم می‌آورند و دوم اینکه جمعیت زیادی در نواحی شهرنشین زندگی می‌کنند و یا در آینده زندگی خواهند کرد که می‌بایست به محیط زندگی آن‌ها توجه شود (رفیعیان و مولودی، ۱۳۹۱: ۱۰)، لذا پی بردن به دلایل افول کیفیت زندگی و در نتیجه کاهش رضایتمندی سکونتی افراد، و نیز دلایل بروز نارضایتی ساکنین روزافزون یافته و توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران را به مفهوم کیفیت زندگی معطوف نموده است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). کیفیت زندگی از موضوعاتی است که امروزه در مطالعات شهری، از منظر علوم اجتماعی، روانشناسی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و... مورد توجه قرار گرفته. در این راستا بررسی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی برای تعیین رضایت و عدم رضایت افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف و همچنین ارزیابی کارایی دولت‌های محلی مطرح گردید، که می‌توان آن را هدف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها در بهبود وضع موجود دانست (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۱؛ *Morais & Camanho; 2011: 398-409*). تحقیقات نشان می‌دهد، توسعه‌ی شاخص‌های کیفیت زندگی نه‌تنها به بهبود کالبد محله نیاز دارد، بلکه در ارتباط با شهروندان و جامعه نیز هست (*Mcmahon, 2002: 172*). بنابراین محیط اجتماعی و فیزیکی یک محدوده می‌تواند بر بهزیستی مردم ساکن در آن محدوده اثر بگذارد (*Lambiri, 2006: 2*). به‌طور کلی رویکرد کیفیت زندگی شهری تلاشی در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چهارچوب پایداری می‌باشد (موسوی و باقری، ۱۳۹۱: ۹۷-۱۱۸) تا با قرارگیری در محیطی باکیفیت بالا، شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی مناسب و پایدار در جهت توانمندسازی ساکنین شهر برای اجرای نقش‌های زندگی و شکوفایی استعدادهای آن فراهم آید (*Ashton; 2000: 14-15*). به بیانی دیگر در دنیای امروز، نه‌فقط کمیت زندگی ما، بلکه کیفیت زندگی و ارزیابی که فرد از زندگی خویش دارد، ارزش زیادی پیدا کرده است، چراکه میزان لذتی که فرد از زندگی می‌برد و میزان رضایتی که از زندگی خود دارد مهم‌ترین فرصت را برای داشتن یک زندگی شاد به او می‌دهد (*Harpham et al; 2001: 109*). بنابراین کیفیت زندگی تنها زنده‌بودن و زیستن محسوب نمی‌شود بلکه کیفیت و نحوه‌ی گذاران زندگی نیز مهم است، لذا هدف غایی مطالعه کیفیت زندگی

و کاربرد متعاقب آن بدین منظور است که مردم توان بهره‌مندی از زندگی باکیفیت مطلوب را داشته باشند (Allen et al, 2014: 14). در نهایت به‌طور کلی می‌توان گفت کیفیت زندگی شهر یا محیط زندگی به معنای گذر از زندگی صرف کمی و اقتصادی به توسعه‌ی پایدار شهری در راستای توجه به شاخص‌های، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی در عرصه‌های برنامه‌ریزی (صراف زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹۴) و در تعامل با شاخص‌های کالبدی و کارکردی محیط شهری می‌باشد (مولودی، ۱۳۸۸: ۳۶)، که یکی از مهم‌ترین بحث‌های مورد توجه در مطالعات کیفیت محیط مسکونی، توجه به نحوه‌ی ارتباط و تعامل انسان با محیط اطراف خود بوده و هست. بنابراین کیفیت زندگی، عنصری است که عوامل متعددی در میزان آن اثرگذار هستند. در این راستا هدف پژوهش حاضر ارائه‌ی مفاهیمی از ابعاد و شاخص‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی در جهت دستیابی به شناختی کامل‌تر از این مقوله‌ی گسترده می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

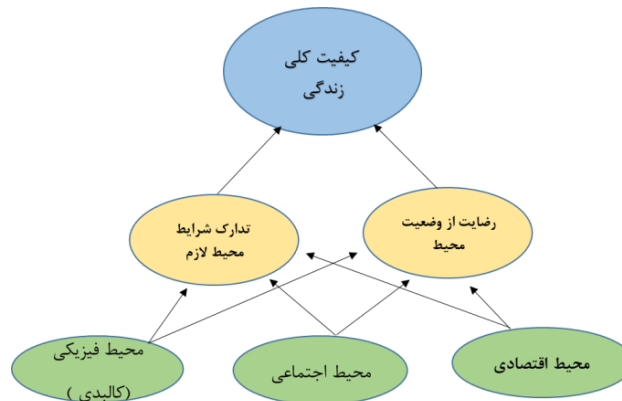
توجه جغرافیا به کیفیت زندگی به لحاظ مفاهیمی چون؛ منابع طبیعی، تولید و ویژگی‌های جمعیتی به دهه‌ی ۱۹۶۰ بازمی‌گردد (اسمیت، ۱۳۸۱: ۱۶۰). کیفیت عموماً حاکی از وجود ویژگی‌های باارزشی در اشیاء، مفاهیم و پدیده‌هاست و در بیان لغوی "درجه‌ای از کمال" و در علوم انسانی از مفاهیم محوری تلقی می‌گردد (ترکاشوند، ۱۳۹۵: ۲). کیفیت همیشه بیانگر سطحی از مطلوبیت است که به‌منظور توصیف رضایت‌مندی شهروندان از وضعیت سکونتشان به کار می‌رود (Myers, 1988: 350) و در زندگی جوامع عینیت پیدا می‌کند و ذهنیتی است که در ارتباط با جوامع و مطالبات آن‌ها تا حدی بنا بر سلاقی، ارزش‌ها و اموری نسبی را شامل می‌شود و هدف غایی آن رضایت از زندگی در جوامع انسانی است. به‌واسطه‌ی همین ساختار چندوجهی و ارتباط مستقیم آن با زندگی انسان، طی دهه‌های اخیر مفهوم کامل‌تری با عنوان کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی به‌عنوان یکی از کلیدی‌ترین مباحث مطرح گردید (ترکاشوند، ۱۳۹۵: ۳). تحقیقات نشان می‌دهد یک اتصال قوی بین کیفیت زندگی عینی و ذهنی وجود دارد. اتصال شناخت عینی با ادراک افراد برای فهم و ارزش‌گذاری بهتر شرایط محلی کیفیت زندگی بسیار مهم است و به دریافت نتایجی که به واقعیت در زمین نزدیک‌تر هستند کمک می‌کند. (Santos, et al, 2007, p: 60) درحالی‌که کیفیت زندگی ذهنی، رضایت‌مندی کیفیت زندگی و ادراک در سطوح فردی را اندازه می‌گیرد در نتیجه ترکیب این دو نشانگر، برای ارزیابی کامل‌تر کیفیت زندگی مفید خواهد بود (Teklay, 2012, p: 10).

جدول ۱- ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی

بد/ ناراضی	خوب/ راضی	کیفیت زندگی ذهنی
		کیفیت زندگی عینی
ناهنجاری	بهبودی	خوب/ مناسب
محرومیت	سازش پذیری	بد/ نامناسب

مأخذ: Teklay, 2012, p: 11

داس (۲۰۰۸)، در نظریه‌ی خود مدلی مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی پیشنهاد داده که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان داده و رویکردی از پایین به بالا را پیشنهاد می‌دهد، که در آن هر دو شاخص‌های عینی و ذهنی برای مطالعه‌ی کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عقیده‌ی داس، ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، محیطی و کالبدی از ابعاد کیفیت زندگی به شمار می‌رود (Das, 2008: 72).



شکل ۱- نظریه داس. مأخذ: Das, 2008: 72

در نظریه‌ی بوم‌شناسی انسانی کیفیت زندگی انسان‌ها و محیط، وابسته به هم دانسته شده. بر اساس این دیدگاه کیفیت زندگی با بهبود وضعیت انسانی ارتباط دارد و بیانگر ویژگی‌های خوب و رضایت‌بخش زندگی مردم و تحقق تمامیت زندگی انسان است (اسمیت و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۰)، که نه تنها مقوله‌هایی همچون؛ استانداردهای زندگی، امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت‌ها، قانون و مانند این‌ها را در برمی‌گیرد بلکه مواردی چون؛ سلامتی، سرگرمی، اوقات فراغت، فرهنگ، هنر و دیگر موارد را نیز شامل می‌شود (Dajian, 2006: 15). بنابراین مفاهیم مرتبط با کیفیت محیط زندگی از رویکردها و ابعاد مختلفی مورد توجه قرار گرفته است (داداش پور و روشنی، ۱۳۹۲: ۷)، که یکی از دلایل اصلی چندبعدی بودن این حوزه از مطالعات به این نکته مربوط می‌شود که محیط و فضای دربرگیرنده‌ی انسان یکی از اساسی‌ترین بسترهای پشتیبان نیازهای چندبعدی انسان است. یک محیط مسکونی با کیفیت، انتقال‌دهنده‌ی حس رفاه و رضایتمندی به ساکنان از طریق ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی یا نمادین می‌باشد. به بیانی دیگر نحوه‌ی درک و نگاه ساکنان در یک محله به محیط خود بر میزان ارتباط آن‌ها با این محیط و همچنین سطح رضایتمندی‌شان اثرگذار است (Lee &

(Marans, 1980:49-55) بنا بر مطالب بیان شده، شناخت ابعاد و رویکردهای مؤثر بر میزان و چگونگی کیفیت زندگی در محیط شهری، ضروری به نظر می‌رسد. در ادامه به معرفی اجمالی این ابعاد پرداخته خواهد شد:

جدول ۲- رویکردهای کیفیت زندگی

رویکردها	ویژگی‌ها	مفاهیم اصلی رویکرد
عاملیت‌گرایی	بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است، و نه شرایط ساختاری، اجتماعی و محیط پیرامونی	فردگرایی روان‌شناختی
مطلوبیت‌گرایی	-انتخاب امکانات و گزینه‌هایی که فراوان‌ترین لذت را برای بیشترین افراد ایجاد کند -بیشتر معطوف به چگونگی به حداکثر رساندن بهره و خیر عمومی معطوف است -به‌جای تحمیل ارزش‌های جامعه، به هر فرد اجازه می‌دهد که به انتخاب‌های خاص خود بپردازد	- اصل سودمندی - اصل انتخاب
ارزش‌های عام	-فراهم آوردن این امکان که زندگی خوب چگونه است و چگونه می‌تواند بهتر شود -هدفمند ساختن و سمت‌وسو بخشیدن به زندگی انسان -نشان دادن نمایی کلی از عوامل تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی	- تأکید بر ارزش‌های انتزاعی و امور غیرواقعی - تأکید بر جنبه عمومی ارزش‌ها
نیازهای اساسی	-تأکید بر تأمین نیازهای اولیه و اساسی مانند تغذیه، مسکن و بهداشت -مناسب بودن برای سنجش کیفیت زندگی اولیه در کشورهای بسیار محروم -مفهومی کامل و فراگیر را از کیفیت زندگی ارائه نمی‌دهد.	- تأکید بر ارزش‌ها و امور واقعی - تمرکز بر کالا و خدمات
توسعه انسانی	-هدف اصلی در این رویکرد بهزیستی انسان است و انسان فعل و منبع اصلی توسعه به شمار می‌آید -حوزه‌های مورد مطالعه این رویکرد بیشتر آموزش، بهداشت و اشتغال است	مردم‌گرا بودن توسعه
نیازهای انسانی	- شاخص اصلی در این رویکرد امید به زندگی است - تأمین نیازها در واقع پیش‌نیاز مشارکت در تأمین اجتماعی است - همه افراد دارای حق مسلم در تأمین نیازهایشان هستند	- مکمل بودن نیازها - آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری
رویکرد قابلیت	-محور اصلی این رویکرد، تأکید بر مجموعه قابلیت‌هایی است که شخص توان آن را دارد یا باید داشته باشد -گسترش آزادی، چه به‌عنوان هدف اولیه و چه به‌مثابه ابزار اصلی توسعه، باید در نظر گرفته شود. -در این رویکرد در ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها، به‌جای متمرکز شدن صرف بر وضعیت ذهنی افراد بر آنچه این‌ها می‌توانند انجام دهند تمرکز می‌گردد	- تأکید بر مفهوم‌سازی کیفیت زندگی - تأکید بر توانایی افراد در دست‌یابی به کارکردهای موردنظر
رویکردهای ساختارگرا	-مفهومی کامل و فراگیر را از کیفیت زندگی ارائه می‌کند که تمام حوزه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی را در برمی‌گیرد. -کیفیت زندگی در معنای واقعی نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط یا پیوندهای مشترک اجتماعی باشد. -تأکید بر اینکه کیفیت زندگی فراتر از مفهوم فرایندها و دستاوردها و تحقق فردی است.	کلیت‌گرایی و فراگیر بودن کیفیت زندگی

مأخذ: غفاری و امیدی، ۱۳۹۰: ۴۱-۱۱

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای نسبت به شناخت عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت زندگی صورت گرفته است. . نوغانی و همکاران ۱۳۹۲، در پژوهش خود با عنوان کیفیت زندگی شهروندان و رابطه‌ی آن با سرمایه اجتماعی، بیان می‌دارد سرمایه‌ی اجتماعی در تبیین متغیر کیفیت زندگی بیش از درآمد و تحصیلات دارای اهمیت است، که سرمایه‌ی اقتصادی بر بعد عینی و سرمایه‌ی اجتماعی بر بعد ذهنی اثرگذار است. صحرکار و ذاکر حقیقی ۱۳۹۸، در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر اثرگذاری کیفیت محیط کالبدی بر الگوهای رفتاری شهروندان، میدان باباطاهر همدان را مورد مطالعه قرار داد، نتایج تحقیقات وی حاکی از آن است که کیفیت محیط کالبدی تأثیر بسزایی در رفتار شهروندان و در پی آن میزان رضایت آنان از محل سکونتشان دارد که برای دستیابی به این هدف باید گروه‌های فعالیتی- اجتماعی که منجر به افزایش رضایتمندی خواهد شد تشکیل شود. مایدزاده و فرخیان ۱۳۹۹، در تحقیقی با عنوان تأثیر فضای سبز شهری بر کیفیت زندگی شهروندان در کلان‌شهر اهواز، بیان می‌دارد فضاهای سبز شهری که از مؤلفه‌های مهم توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود، اثرات قابل توجهی بر بهبود هوای شهرها و بالطبع کیفیت زندگی ساکنین دارد و این عامل یکی از شاخص‌های توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود. مزرعه ۱۴۰۰، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش مدیریتی عمرانی در بهسازی و نوسازی بافته‌ای فرسوده شهری با تأکید بر ارتقاء کیفیت زندگی، شاخص اجتماعی و مردم را از مهم‌ترین عوامل دستیابی به کیفیتی مطلوب می‌داند و معتقد است شهروندان روح شهر هستند در نتیجه فرهنگ و رفتار آنان به شهر شکل می‌دهد که این امر تنها با مشارکت آنان امکان‌پذیر است. دهقانی و همکاران ۱۴۰۰، در پژوهشی تحت عنوان تحلیل و ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های بافت فرسوده شهری، منطقه ۱۵ تهران را مورد مطالعه قرار داد، نتیجه تحقیقات حاکی از آن است که در راستای بالا بردن کیفیت زندگی باید طرح مدیریت محله باهدف افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنین در راستای افزایش حس تعلق خاطر شهروندان صورت پذیرد. هاروی ۱۹۹۶، بیان می‌دارد تخصیص منابع به یک منطقه بر دیگر مناطق اثر می‌گذارد، در واقع می‌توان با پی‌ریزی یک سیستم فضایی جدید ضرایب فعلی فزاینده‌ی منطقه‌ای را از نو سامان داد و اثرات نامناسب قبلی را تعدیل نمود. تالن ۲۰۰۳، در تحقیقی با عنوان محله‌های شهری به‌عنوان عامل اساسی در کیفیت زندگی، معتقد است کیفیت محیط فیزیکی، محیط اجتماعی، محیط اقتصادی و کیفیت حمل‌ونقل و ارتباطات به‌عنوان چهار شاخص اصلی کیفیت زندگی اشاره نموده است. وایتیند و همکاران ۲۰۰۶، در پژوهش خود با عنوان تأثیر بهبود کیفیت شهری بر فعالیت‌های اقتصاد، بیان می‌دارد فعالیت‌های اقتصادی که بر سه محور مشتریان، کارکنان و خودمشاغل هستند تأثیر بسزایی در کیفیت زندگی دارد و برای بهبود شرایط اقتصادی ابتدا باید محیط‌های شهری جذاب و مطلوبی را در راستای حفظ محیط‌زیست طراحی نمود. اوون و همکاران ۲۰۰۸،

در مقاله‌ای با عنوان دموکراسی، مشارکت و رضایت از زندگی، معتقد هستند بین دموکراسی با سطح رفاه فردی و افزایش کیفیت زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این امر تنها با مشارکت ساکنین در اموری که به محیط زندگی‌شان مربوط است تحقق می‌یابد. ایوو و همکاران ۲۰۰۹، در تحقیق خود با عنوان تحلیلی بر اثرگذاری کیفیت زندگی در مناطق روستایی کرواسی برای ماندن یا ترک آن پرداختند و بیان می‌دارند فقدان فرصت‌های شغلی، درآمد پایین و خدمات رفاهی و بهداشتی ضعیف موجب کاهش رضایت از محیط زندگی می‌شود. ونگ و همکاران ۲۰۱۰، در مقاله‌ای با عنوان تأثیر توهین اجتماعی و تجربه‌ی تبعیض‌آمیز بر ناراحتی روانی بر کیفیت زندگی، مهاجران روستایی به شهرهای چین را مورد مطالعه قرار داد، تحقیقات حاکی از آن است که تبعیض میان مهاجران روستایی به شهر موجب به وجود آمدن ناراحتی‌های روانی شده است که رابطه‌ی مستقیمی را کیفیت زندگی دارد و ساکنین شهر جهت آمادگی برای زندگی در این محیط پرهیاهو باید از قبل مورد آموزش قرار گیرند.

روش‌شناسی

با توجه به اینکه پژوهش حاضر به بیان عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان، به منظور بهبود رفتارها و روش‌های اجرایی می‌پردازد، به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای که با جمع‌آوری اطلاعات از کتب، مقالات، اسناد و گزارش‌های علمی می‌باشد بهره گرفته و سپس به توصیف و تبیین آن‌ها پرداخته شد. بنابراین نوع روش پژوهش توصیفی-تحلیل می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

مروری بر مهم‌ترین ابعاد اثرگذار بر میزان کیفیت زندگی شهر و شهروندان.

توسعه‌ی پایدار شهری: توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را بدون آنکه از توانایی نسل‌های آینده برای پاسخگویی به نیازهایشان بکاهد، برطرف سازد (Siwar et al, 2009: 310) و ضمن اینکه به نیازهای مردم شهر پاسخ می‌گوید، دوام و بقاء آن را نیز تضمین کند (برآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴۵) و در عین حال آب، خاک، هوا و... بلااستفاده نگردد و به حمایت از ظرفیت‌های تولید، بازیافت، کنترل کاربری‌ها، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری و روستایی بپردازد (پاپلی یزدی، ۱۳۹۶: ۳۴۰). توسعه پایدار خواستار ارتقای برنامه‌ریزی شهری از نگاه صرف کالبدی کارکردی به نگاهی چندبعدی و چندوجهی، با در نظر گرفتن ابعاد؛ اجتماعی، روانی، کیفی و اقتصادی در تعامل با ابعاد کالبدی کارکردی است. حرکت در جهت توسعه -

پایدار، برنامه‌ریزی شهری را بر آن داشته است تا به جستجوی شاخص‌ها و معیارهای جدید و کاربردی برای ارتقای کیفیت زندگی بپردازد (سعیدی، ۱۳۹۲: ۲). به بیانی جامع‌تر توسعه پایدار شهری به مفهوم مدیریت یکپارچه پایداری اکولوژیکی و توسعه اقتصادی - اجتماعی به منظور دستیابی به بهبود شرایط انسانی بر پهنه هستی می‌باشد که پس از پنج دهه چالش‌های نظری و عملی در زمینه‌ی توسعه پا به عرصه اندیشه و عمل در جوامع انسانی گذاشته است (ابراهیمی و یاری حصار، ۱۳۹۵: ۲). اغلب اندیشمندان معتقدند که تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ی پایدار بایستی دربرگیرنده‌ی همه‌ی سطوح فعالیت‌ی و مکانی باشد (*sermak*) (۲۰۰۷: ۱۲). لذا برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار و منظم برنامه‌ریزی ناحیه‌ای را با تأکید بر روابط متقابل شهر و روستا پیشنهاد می‌دهند (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۷).

زیست پذیری شهری: زیست پذیری به معنای توانایی شهر یا ناحیه‌ی شهری بر حفظ و بهبود ظرفیت‌های موجود و افزایش این ظرفیت‌ها با توجه به نیازهای روز انسانی هست (سلیمانی مهنرجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). زیست پذیری اشاره به فرصت‌هایی دارد که برای همه اجتماعات محلی با اندازه‌های مختلف وجود دارد و آن‌ها را تبدیل به مکان‌های بهتری برای کار، زندگی و رشد خانواده می‌نماید (*national association of regional councils, 2010: 760*) به بیانی جامع تر زیست پذیری، یک جنبه مهم و حیاتی شهرنشینی است که کیفیت زندگی را به تصویر میکشد (Baig et al, 2019: 91). لاینچ هفت محور ۱- سرزندگی، ۲- معنی دار بودن فرم و فضا، ۳- تناسب و سازگاری با الگوهای رفتاری، ۴- دسترسی، ۵- نظارت و اختیار، ۶- کارایی، ۷- عدالت، را برای شهر زیست پذیر در جهت افزایش کیفیت زندگی مطرح نموده است (لینچ، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۴۵). در این راستا ریسینزیکی^۱ معتقد است زیست پذیری همانند یک پیاز است؛ در ظاهر ساده، اما متشکل از لایه‌های متعدد، که اگر به هر لایه جداگانه و مجزا از دیگر لایه‌ها نگریسته شود، کلیت آن از دست می‌رود (Van Kamp et al, 2003: 6).

رضایتمندی سکونتی: بیان می‌دارد میان زندگی خوب و زندگی کمی باید تمایز قائل شد (کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۶). معماران و شهرسازان، رضایت سکونت‌ی را رضایتی می‌دانند که فرد پس از رفع نیازها و پاسخ به انتظاراتش از محیط مسکونی احساس می‌کند. در تئوری مکان که در روانشناسی محیطی مطرح می‌شود، رضایتمندی ساکنان را با تجربه‌ی خشنودی یا لذت ناشی از زندگی در مکانی خاص می‌توان مشخص نمود (Bonaiuto, 2003: 42). روش‌های سنجش کیفیت زندگی از طریق بررسی میزان رضایتمندی، شرایط

¹. Rybczynski

زندگی، ارزش‌های فردی و ویژگی‌های محیطی صورت می‌پذیرد. بدین ترتیب مقوله‌ی کیفیت زندگی به واکاوی انتظارات و ابعاد رضایتمندی شهروندان می‌پردازد (فرجی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). شاخص‌های عینی و ذهنی رضایتمندی سکونتی را می‌توان در قالب اجزاء محیط مسکونی شامل: خانه، محله، همسایگان، سبک زندگی و محل سکونت جای داد و در آن لحظه که شاخص‌های عینی محیط سکونتی در ذهن فرد ارزیابی می‌گردد به شاخص‌های ذهنی مبدل می‌شود، بنابراین شاخص‌های ذهنی علاوه بر پیشینه‌ی اجتماعی و فرهنگی فرد از الگوی کیفیت زندگی تأثیر می‌پذیرد (Adiaanse, 2007: 291) در نتیجه می‌توان رضایتمندی سکونتی را به‌مثابه یک مقوله‌ی پویا پنداشت، چراکه به نیازها و انتظارات ساکنین بستگی دارد (He, 2009: 87) که مشارکت محله‌ای میزان این رضایت را افزایش می‌دهد (Grillo et al, 2010: 455).

تاب‌آوری شهری: یک شهر تاب‌آور، شبکه‌ای پایدار از سیستم‌های کالبدی و جوامع انسانی است. سیستم‌های کالبدی، مؤلفه‌های ساخته‌شده و طبیعی شهر هستند که شامل جاده‌ها، ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها، ارتباطات و تأسیسات تأمین انرژی و همچنین مسیرهای آب، خاک، توپوگرافی، جغرافیا و سیستم‌های طبیعی می‌باشند. در مجموع سیستم‌های کالبدی به‌مثابه بدن شهر است، استخوان‌ها، سرخرگ‌ها و ماهیچه‌هایش. شهرهای تاب‌آور، بر اساس قوانین به‌دست‌آمده از تجارب حوادث گذشته در محیط‌های شهری ساخته‌شده‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶-۹۵) و هدف نهایی آن دستیابی به محیطی باکیفیتی مناسب درخور شهروندان است. تاب‌آوری در شهرها به‌عنوان یکی از انواع سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیکی در موارد زیر تفسیر می‌شود (Folke et al, 2004: 566)، ۱- میزان اختلالی که یک سیستم می‌تواند جذب کند و همچنان در همان وضعیت اول باقی بماند. ۲- حد، یا درجه‌ای که در آن حد، سیستم در نبود سازمان‌دهی که از طریق عوامل خارجی اعمال می‌شود قادر به خودسازمان‌دهی است. ۳- حد، یا درجه‌ای که در آن حد، سیستم می‌تواند ساخته شود، یا ظرفیت آن برای یادگیری و انطباق (سازگار) افزایش یابد. با توجه به موارد فوق تاب‌آوری شهری به‌عنوان درجه، حد یا میزانی است که در آن حد شهرها قادر به تحمل تغییر هستند قبل از اینکه به مجموعه جدیدی از ساختارها و فرایندها باز سازمان‌دهی شوند (Alberti, 2005: 176).

سرمایه: سرمایه از مهم‌ترین مفاهیم رو به رشد در مباحث کیفیت زندگی است. این مفهوم بیانگر حلقه گم‌شده در توسعه به شمار می‌رود و به گمان برخی از اندیشمندان، علاج مشکلات جامعه‌ی مدرن محسوب می‌شود (وصالی و توکل، ۱۳۹۱: ۱۹۷). برای دستیابی به هریک از جنبه‌های کیفیت زندگی باید هزینه پرداخت کرد، این هزینه به‌عبارتی دیگر شامل سرمایه‌گذاری است. به بیان بوردیو، سرمایه یک دارایی است که می‌توان برای

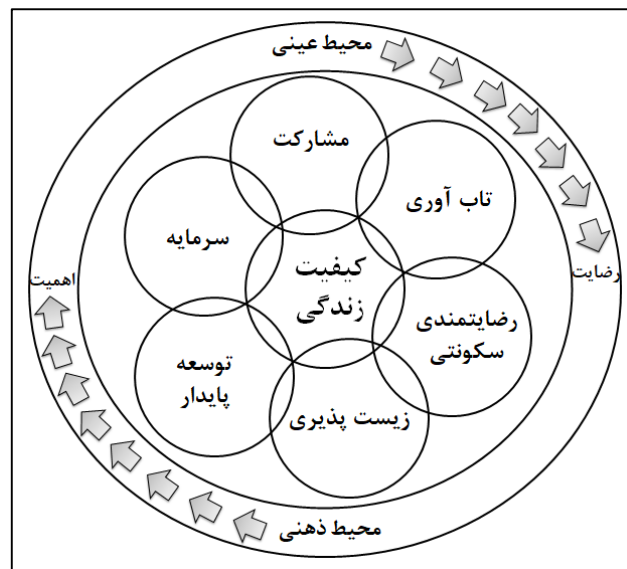
دستیابی به منابع مطلوب بهره برد و مجدداً آن را سرمایه‌گذاری کرد تا افزایش یابد، از نظر وی، سرمایه سه شکل اصلی دارد:

- ۱- سرمایه اقتصادی: در اختیار داشتن منابع اقتصادی (پول، املاک). تحقیقات در این زمینه، از تأثیر مثبت آن در حل بسیاری از مشکلات و بهبود وضعیت جامعه خبر می‌دهد.
- ۲- سرمایه فرهنگی: صورت‌های آگاهی، مهارت، آموزش، و به‌طور کلی هر امتیازی که به شخص منزلت بالایی در جامعه می‌دهد.
- ۳- سرمایه اجتماعی: در دهه‌های اخیر، هدف برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و بهزیستی انسان‌ها دانسته شده است. مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌وبیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (فیلد، ۱۳۹۲: ۳۰-۲۹). سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و بستر مناسبی برای بهره‌برداری از مولد است و بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و راهی برای موفقیت و هدف اصلی توسعه یک جامعه محسوب می‌شود (وصالی و توکل، ۱۳۹۱: ۱۹۷). به بیانی دیگر رویکرد به کیفیت زندگی از فرآیند محور به پیامد محور گذر کرده است (Bennett et al, 2001).

مشارکت: امروزه مشارکت شهروندان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در دستیابی به موفقیت در تمامی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه شناخته شده است و در بسیاری از پژوهش‌های علمی و اجرایی در تمامی رشته‌ها، مشارکت به‌عنوان عامل کلیدی برای افزایش رضایت مطرح گردیده (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۶-۹۵). واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای هم‌فکری و تجمع برای منظوری خاص بیان شده است، که نتیجه این هم‌فکری یاری‌دادن در پدید آوردن و پشتیبانی کردن از هر مسئله‌ای می‌باشد که می‌تواند در دو سوی از هم جدا ولی به هم پیوسته روی دهد (میر موسوی، ۱۳۷۵، ص. ۸۷). بر این اساس شری ارنشتاین مشارکت مردمی را قدرت شهروندان می‌داند. از طرفی مشارکت در جامعه‌ی مدنی معنا پیدا می‌کند، و جامعه‌ی مدنی مکانی است که شهروندان در آن زندگی می‌کنند و دارای حقوق و مسئولیت‌هایی می‌باشند، که این حقوق و مسئولیت‌ها را فعالیت‌های دولت و مدیران در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها و میزان شفاف‌سازی از سوی آن‌ها، مشخص می‌نماید (Dreyfus, 1999, p.48) با دیدی دیگر، مشارکت به معنی برانگیختن حساسیت مردم، افزایش درک و توان آن‌ها و تشویق ابتکارات محلی در جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه است (حسینی، ۱۳۸۱، ص. ۲۶). بنابراین مشارکت مردم در اموری که به زندگی‌شان مرتبط است از عوامل ریشه‌ای در افزایش رضایت آنان از تصمیمات اتخاذشده و افزایش حس تعلق خاطر نسبت به محل زندگی‌شان می‌باشد که در نهایت به افزایش کیفیت زندگی منجر خواهد شد.

بنا بر مطالب بیان‌شده در مقدمه، نظریه‌ها، پیشینه و همچنین یافته‌های پژوهش، عوامل اصلی اثرگذار بر میزان کیفیت زندگی در شکل ۱، ارائه می‌گردد. این شکل بیانگر آن است که شش شاخص تاب‌آوری، مشارکت،

سرمایه، رضایتمندی سکونتی، زیست پذیری و توسعه پایدار، از عوامل مؤثر و ریشه‌ای بر کیفیت زندگی هستند که به‌طور توأمان و هم‌زمان بر این مقوله در دو بعد ذهنی و عینی، که به ترتیب رضایت و اهمیت را برای شهروندان نسبت به محیط شهری در پی دارد اثرگذار است.



شکل ۲- ریشه‌های کیفیت زندگی. مأخذ: نگارنده

نتیجه‌گیری

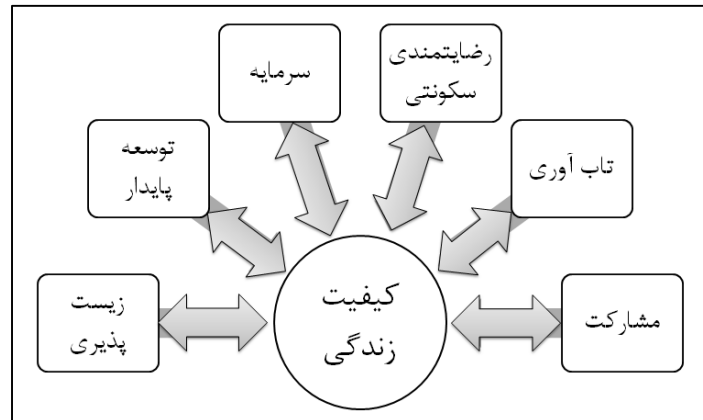
در این پژوهش نخست با توسل به مفهوم و نظرات مطرح‌شده و همچنین بررسی برخی از مطالعات صورت گرفته، به بیان مفهومی جامع از مقوله‌ی کیفیت زندگی پرداختیم. مشخص شد که ایده و مفهوم کیفیت زندگی یک ایده‌ی چندوجهی است که با یک پهنه‌ی وسیع از شاخص‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی، زیست‌محیطی و اقتصادی، در یک سایه قرار دارد و درعین‌حال موضوعی میان‌رشته‌ای و چندبعدی است. نظر به اینکه امروزه اکثریت جمعیت جهان در شهرها سکنی گزیده‌اند و این مکان پراهمیت روزبه‌روز به دلیل مشکلاتی همچون؛ کیفیت پایین محیط، آلودگی صوتی، بافته‌ای حاشیه‌ای و فرسوده، انواع مشکلات اجتماعی و نابسامانی‌های اقتصادی، بیشتر روبه‌زوال می‌رود، بر آن شدیم تا ریشه‌های اصلی و تأثیرگذار برافزایش کیفیت در این مکان انسان ساخته را بررسی و تحلیل نماییم. در این باره ۶ شاخص زیست پذیری شهری، توسعه‌ی پایدار، سرمایه، مشارکت، رضایتمندی سکونت و تاب‌آوری، مطرح و بررسی گردید، که هرکدام از این شاخص‌ها به دلیل ویژگی‌هایی که دارند بر میزان کیفیت زندگی اثرگذار هستند. جدول ۳، موضوعات موردتوجه و مطرح‌شده در شاخص‌های پژوهش را بیان می‌نماید:

جدول ۳- ابعاد مورد توجه در شاخص های پژوهش

اهداف	شاخص
توجه به نیازهای حال و آینده شهر و شهروندان در عین در نظرگیری ظرفیت های موجود، به گونه ای که پاسخگویی به نیازهای امروز موجب ناکامی در رفع نیازهای آینده نگردد و بتوان با آینده نگری و با استفاده از علم نوین، دستیابی به منابع تجدید پذیر را افزایش داد.	توسعه پایدار
بهبود ظرفیت های موجود و افزایش ظرفیت ها نسبت به نیازهای روز شهروندان و همچنین در نظرگیری فرصت ها جهت استفاده بهتر از مکان ها و بهبود شرایط موجود در راستای بالا بردن کیفیت محیط زیست انسانی	زیست پذیری
بیان می دارد بین زندگی کمی و زندگی خوب باید تمایز قائل شد. در واقع فرد باید از محیطی که در آن قرار گرفته به لحاظ عینی یا ذهنی، احساس رضایت داشته باشد. در این صورت محیط برای فرد باکیفیت تر خواهد بود.	رضایتمندی سکونتی
بر این اصل تأکید دارد که تمامی عناصر شهر مانند استخوان و رگ های انسان به هم پیوسته هستند و تنها در صورتی که به صورت هماهنگ باهم کار کنند، موفق خواهند بود. به گونه ای اخلاف ها، بی سامانی ها و ظرفیت های متفاوت، موجب از هم پاشیدگی این سیستم نگردد.	تاب آوری
مشارکت واقعی مردمی، امری است که امروزه در تمامی امور برنامه ریزی مورد توجه واقع شده است، به گونه ای ای سازمان ملل متحد مشارکت را از اساسی ترین حق شهروندان می داند. مشارکت بیان می دارد شهروندان نه تنها باید نسبت به امور اتخاذ شده در محل زندگی شان اطلاع کافی داشته باشند، بلکه باید در گرفتن این تصمیمات اظهار نظر کنند. بدیهی است اگر این امر به طور صحیح اجرا گردد، رضایت و حس تعلق خاطر شهروندان نسبت به محیط زندگی شان بالاتر می رود و در راستای افزایش کیفیت و حفظ این محیط کوشا خواهند بود.	مشارکت

ماخذ: نگارنده

با عنایت به مطالب بیان شده، در می یابیم کیفیت زندگی عاملی است که محیط عینی و ذهنی شهروندان را به طور هم زمان تحت تأثیر قرار می دهد که بالطبع میزان رضایت و اهمیت این دو محیط برای شهروندان، وابسته به کیفیت آن ها می باشد. از سویی دیگر نه تنها کیفیت زندگی وابسته به هر شش شاخص بیان شده در یافته های پژوهش است، بلکه میزان کیفیت نیز بر این شش عامل اثرگذار می باشد. به بیانی جامع تر، رابطه ای دوسویه بین آن ها برقرار است که با کم یا زیاد شدن هر کدام، دیگری را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. به طور مثال با کم شدن کیفیت زندگی، توسعه ای پایدار شهری نیز به خطر خواهد افتاد و بالعکس، اگر توسعه ای پایدار وجود نداشته باشد، میزان رضایت شهروندان از محل سکونت و در پی آن کیفیت زندگی نیز کاهش پیدا می کند. و همینطور با کاهش یا افزایش کیفیت زندگی، رضایتمندی، تاب آوری زیست پذیری و... نیز تحت تأثیر قرار می گیرند و بالعکس.



شکل ۳- ارتباط دوسویه ی کیفیت زندگی و شاخص‌های پژوهش. مأخذ: نگارنده

منابع

۱. اسمیت دیوید . ام (۱۳۸۱)، کیفیت زندگی : رفاه انسانی و عدالت اجتماعی ، ترجمه حسین حاتمی نژاد و حکمت شاهی اردبیلی . اطلاعات سیاسی - اقتصادی . سال هفدهم، شماره ۱۸۵، ۱۸۶، صص ۱۷۳-۱۶۰.
۲. برآبادی، محمود (۱۳۸۴)، الفبای شهر، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران، چاپ دوم.
۳. پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۹۶)، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم.
۴. پوراحمد، احمد و ابدالی، یعقوب و صادقی، علیرضا و اله قلی پور، سارا (۱۳۹۷)، سنجش و تحلیل فضایی مؤلفه‌های تاب‌آوری کالبدی در بافت مرکزی شهر همدان با استفاده از خودهمبستگی فضایی موران. فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه‌ی کالبدی، دوره ۵، شماره ۹، صص ۱۰۴-۹۲.
۵. ترکشوند، سمیه (۱۳۹۵)، ارزیابی کیفیت زندگی با تأکید بر شاخص‌های کالبدی در بافت شهری مطالعه موردی: منطقه ۲۲ شهر تهران (مجتمع مسکونی پیکانشهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.
۶. جان فیلد (۱۳۹۲)، سرمایه اجتماعی، ترجمه‌ی غلامرضا غفاری و حسین رضائی، نشر کویر، تهران، چاپ سوم.

۷. حسینی، سید آقا (۱۳۸۱)، گذری کوتاه بر مدیریت مشارکت‌جو، همدان، انتشارات نور و علم، چاپ اول.
۸. حسینی، سیده آیدا و افلاکی، اردلان و شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی فرآیند مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی شهری به‌منظور معرفی چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی نوین در ایران، فصلنامه رهیافت، دوره سیم، شماره ۸۰، صص ۱۰۰-۸۳.
۹. داداش پور، هاشم و روشنی، صالح (۱۳۹۲)، ارزیابی تعامل میان فرد و محیط زندگی در مطالعات جدید با استفاده از سنجش کیفیت عینی و ذهنی، مطالعه موردی: شهرک نفت تهران، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ششم، صص ۱۳-۱.
۱۰. دهقانی، مصطفی و بیات، غلامرضا و عبدالله زاده رودپشتی، مصطفی و قضاقلو، اسماعیل (۱۴۰۰)، تحلیل و ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۵ تهران)، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره سوم، شماره ۴، صص ۱۰۸-۹۳.
۱۱. دیوید ام، اسمیت و شاهی اردبیلی، حکمت و حاتمی نژاد، حسین (۱۳۸۱)، کیفیت زندگی، رفاه انسانی و عدالت اجتماعی، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۵ و ۱۸۶، صص ۱۷۳-۱۶۰.
۱۲. ربانی خوارسگانی علی، کیانپور مسعود (۱۳۸۶)، مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی، مطالعه موردی شهر اصفهان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۹-۵۸.
۱۳. رفیعیان، مجتبی و نظری، مونس و داداش پور، هاشم (۱۳۹۵)، سنجش رضایتمندی سکونتی از مطلوبیت مکانی در نواحی شهری برنامه‌ریزی‌شده (نمونه موردی: مهرشهر کرج)، فصلنامه هویت شهر، سال دهم، شماره ۲۷، صص ۴۱-۳۱.
۱۴. سعیدی، امجد (۱۳۹۲)، ارزیابی شاخص‌های کیفیت زندگی با رویکرد زیست‌پذیری شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش: طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی.
۱۵. سلیمانی مهرنجانی، محمد و تولایی، سیمین و رفیعیان، مجتبی و زنگانه، احمد و خزائی نژاد، فروغ (۱۳۹۵)، زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، شماره یک، صص ۵۰-۲۷.

۱۶. صحرکار، ندا و ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۳۹۸)، تحلیلی بر اثرگذاری کیفیت محیط کالبدی الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: میدان باباطاهر در همدان)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره دهم، شماره ۳۹، صص ۱۵۶-۱۴۵.
۱۷. صراف زاده، هایده و پیرزاده نهوجی، محمدحسین و جهانشاهی، محمدحسین و مطلق، محمدتقی و امیری، مهیندخت و مهدیزاده، جواد (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)، نشر آرمانشهر، تهران، چاپ اول.
۱۸. غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۹۰)، کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی، انتشارات شیرازه، تهران، چاپ دوم.
۱۹. قالیباف، محمدباقر و روستایی، مجتبی و رمضان ژاد، مهدی و طاهری، محمدرضا (۱۳۹۰)، ارزیابی کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی: محله یافت‌آباد، انجمن جغرافیایی ایران، سال نهم، شماره ۳۱.
۲۰. کوبی، افشین (۱۳۸۶). «معیارهای ارزیابی زندگی شهری در مراکز شهری». نشریه هویت شهر. (۱): ۷۵-۸۶.
۲۱. لینچ، کوین (۱۳۹۵). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه: سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هفتم.
۲۲. مایدزاده، هدا و فرخیان، فروزان (۱۳۹۹)، تأثیر فضای سبز شهری بر کیفیت زندگی شهروندان در کلان‌شهر اهواز، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۶-۲۳.
۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵).
۲۴. مزرعه، امیررضا (۱۴۰۰)، نقش مدیریت عمرانی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ارتقاء کیفیت زندگی، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۲۵. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه‌ی انسانی (۱۳۹۶)، محله بندی شهر شیراز، با رویکرد توسعه‌ی همگون و متوازن، دفتر برنامه‌بودجه‌ی شهرداری شیراز.
۲۶. موسوی میرنجف، باقری کشکولی علی (۱۳۹۱)، ارزیابی توزیع فضایی کیفیات زندگی در محلات شهر سردشت، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره نهم، صص ۹۷-۱۱۸.

۲۷. مولودی، جمشید (۱۳۸۸)، سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۲۸. میر موسوی، سید علی (۱۳۷۵)، مبانی دینی و فرهنگی-سیاسی مشارکتی، تهران، فصلنامه نقد و نظر، سال دوم، شماره ۴-۳.
۲۹. نوغانی محسن، اصغریور ماسوله احمدرضا، صافا شایما، کرمانی مهدی (۱۳۹۲)، کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد، دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵۰۱.
۳۰. وصالی، سعید و توکل، محمدمهدی (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۹۷-۲۲۰.
۳۱. ابراهیمی، خدیجه و یاری حصار، ارسطو (۱۳۹۵)، بررسی توسعه پایدار گردشگری روستایی (تبیین مفاهیم، نیازها و چالش‌ها)، کنفرانس بین‌المللی کشاورزی پایدار منابع طبیعی محیط زیست و توسعه روستایی.
۳۲. مسعودی، محمدباقر و معمری، ابراهیم و معمری فرهاد (۱۳۹۸)، بررسی پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه پایدار شهری-روستایی با تأکید بر شاخص‌های آموزشی در پهنه استان گلستان، شماره ۳۴، صص ۲۴۵-۲۶۰.
33. Siwar, C. Mahmudul Alam, M. Wahid Murad, M. & Al-Amin, A.G. (2009) *A Review of the Linkages between Climate Change, Agricultural Sustainability and Poverty in Malaysia, International Review of Business* .
34. Sermak, Agnieszku Brzosko, 2007. *Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities, Bulletin of Geography (Socio-Economic Sires), 7: 73-869.*
35. Adriaanse, C.C.M.(2007). »Measuring residential satisfaction: a residential environmental satisfaction scale (RESS)«. *J Housing Built Environ.* (22): 287-304.
36. Allen, J. Voget, R. and Cordes, S. (2014), *Quallity of Life in RurialNeebraska: Trends and Changes, Institute of agriculture and natural resoures.*
37. Ashton, John, (2000), *Healthy cities, Conceptand vision, University of Liverpool, Liverpool, UK.*

38. Bennett, C. et al. (2001), *Measuring quality of life: The use of societal outcomes by parliamentarians, presented for quality of life and social indicators seminar series, February, March, April.*
39. Dajian, Z., & Rogers, P. P. (2006). *2010 World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development. Chinese Journal of Population Resources and Environment, 4(1), 15-22*
40. Das Moines DirectionFinder Survey(2008). »Importance-Satisfaction Analysis: Section 4«. ETC Institute.
41. Dreyfus. F. (1999), *what kind of a citizen for what kind of state, Citizen an New Governance, Beyond New Public Management. EGPA Yearbook, Edited by Luk Rouban. Amsterdam.*
42. Grillo, Michael C.; Teixeira, Miguel A.; Wilson, David C.(2010). »Residential Satisfaction and Civic Engagement:Understanding the Causes of Community Participation«. *Soc Indic Res. (97): 451–466.*
43. Harpham, Trudy & et al(2001), *Healthy city projects in developing countries: The first evaluation, South Bank University, London, SW8, 2JZ, UK.*
44. Harvey, David (1996): *Justice .Nature & Geography of difference, Blakwell publishers, Oxford, UK.*
45. He, Xueqin, (2009). *Residential Satisfaction with home location: examination of the relationship between location-embedded benefits and risk perception. for the Degree Doctor of Philosophy. the Graduate Council of Texas State University-San Marcos in Partial Fulfillment of the Requirements.*
46. *indicators of the quality of life in Russia and Ukraine, Geography and Natural Resources 31,p.p 11–17.*
47. Ivo Gryic, Zimbrek, T., tratnik, M., Markovina J. and Juracak, J. (2009). «Quality of life in rural areas of Croatia to: to stay or leave?», *African journal of agricultural research, vo1. 5(8).*
48. Lambiri, Dionysia. (2006), "Quality of Life in the Economic and Urban Economic Literature", *JEL classification: R00, 131, R12.*
49. Lee, T., & Marans, R. W. (1980). *Objective and subjective indicators: Scale disordinance on interrelationships. Special Indicators Research, 6(1), 47-64.*
50. McMahan,. S. K, (2002). *The development of quality of life indicators a case study fromthe City of Bristol, UK, Original Research Article Ecological Indicators, Volume 2,Issues 1-2, p.p177-185.*
51. Morais, Paulo,. Ana S. Camanho, (2011).*Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements Original ResearcArticle Omega, Volume 39, Issue 4, Pages 398-409.*

52. Myers, D. (1988) "Building knowledge about quality of life for urban planning", *Journal of the American Planning Association*, 54(3), 347–358.
53. Owen, A. L, Videras, J & Willemsen, CH. (2008). "Democracy, Participation, and Life Satisfaction", *Social Science Quarterly*, 89(4), 987-1005.
54. Santos dela Cruz, P.M. (2011), "MAPPING THE QUALITY OF LIFE EXPERIENCE IN ALFAMA, A case study in Lisbon", Portugal. Master of Science thesis, *Geospatial Technologies*.
55. Talen, E. (2003), *Neighborhoods as service providers: a methodology for evaluating pedestrian access*, *Environment and Planning B: Planning and Design*, 30, p.p 181-200.
56. Teklay, R. (2012) "Adaptation and Dissonance in Quality of Life: Indicator For Urban Planning and Policy Making", MSc Thesis.
57. van Kamp, I. Leidelmeijer, K. Marsman, G & De, H. (2003) *Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study*, *Landscape and Urban Planning*, pp 5-18.
58. Wang, B., Li, X., Stanton, B., Fang, X., (2010), *The influence of social stigma and discriminatory experience on psychological distress and quality of life among rural to-urban migrants in China*, *Social Science & Medicine*, p.p 1-9.
59. Whitehead, T., Simmonds, D., Preston, J (2006), *The effect of urban quality improvements on economic activity*, *Journal of Environmental Management* 80, p.p 1–12.
60. Alberti, M. (2005). *The effects of urban patterns on ecosystem function*. *International regional science review*, 28(2), 168-192.
61. Folke, C., Carpenter, S., Walker, B., Scheffer, M., Elmqvist, T., Gunderson, L., & Holling, C. S. (2004). *Regime shifts, resilience, and biodiversity in ecosystem management*. *Annual Review of Ecology, Evolution, and Systematics*, 35. 557-581.
62. Bonaiuto, M; Fornara, Ferdinando & Mirilia, Bonnes (2003), *Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome*, *Landscape and Urban Planning*, 65, 41-25.
63. Baig, F., Rana, I.F., Talpur, M.A.H (2019). *Determining Factors Influencing Residents' Satisfaction Regarding Urban Livability in Pakistan*. *International Journal of Community Well-Being*, 2, pp.91–110
64. National Association of regional councils (2010) *the livable communities, principles and performance outcomes*. *Journal of environmental management*, 91(3), 754-766.